

تقديم به:

على

و

فاطمه عايشة

فهرست مطالب

۱۱سخنی با خواننده
۱۳مقدمه (نجف لک‌زایی)
۲۱چستی و هستی جامعه از دیدگاه استاد مطهری (حمید پارسانیا)
۲۱تصویر چستی جامعه
۲۲چهار نظر
۲۷اثبات هستی جامعه
۲۹راه‌های اثبات
۳۱طرح مسئله در آثار علامه طباطبائی و شهید مطهری
۳۳شواهد قرآنی وجود جامعه
۳۴اثبات جامعه از طریق خواص اجتماعی
۳۶راه‌های نقد
۳۸نقد استاد مصباح
۳۸اشکال اول
۴۰اشکال دوم
۴۰اشکال سوم
۴۱داوری درباره اشکال‌های سه گانه
۴۲تشبیه ارتباط من فردی و جمعی به نفس و قوای آن
۴۴نقد شواهد قرآنی
۴۵شیوه استفاده از دلایل نقلی
۴۶دسته‌بندی شواهد قرآنی
۴۸بررسی اشکال اول
۵۱اعتبار ظهور آیات
۵۳بررسی دیگر اشکال‌ها
۵۴نتیجه‌گیری
۵۵منابع
۵۷حق، عدالت و برابری از دیدگاه استاد مطهری (حسین توسلی)
۵۷مقدمه

۱۴۹	مساوات و آزادی
۱۵۱	تعاون عاطفی
۱۵۲	شبهه دخالت در رزاقیت الهی
۱۵۵	منابع
۱۵۷	ولایت فقیه از دیدگاه استاد مطهری (محمد حسن قدردان قراملکی)
۱۵۷	مقدمه
۱۵۸	حکومت در اسلام
۱۵۹	حکومت در عصر غیبت
۱۶۰	چیستی ولایت فقیه
۱۶۱	ولایت فقیه ولایت ایدئولوگ
۱۶۴	شرایط رهبر و حاکم
۱۶۶	تفکیک مرجعیت و رهبری
۱۶۸	منشأ مشروعیت ولایت فقیه
۱۷۰	تبیین نظریه استاد
۱۷۳	الف) قراین و شواهد مشروعیت صرف الهی
۱۷۵	تحلیل و ارزیابی
۱۷۷	ب) قراین و شواهد مشروعیت الهی - مردمی
۱۸۲	ادله ولایت فقیه
۱۸۳	۱. مقبوله عمر بن حنظله
۱۸۳	۲. توفیق شریف: از حضرت حجت (عج) نقل شده است
۱۸۴	۳. الوهی و مقدس بودن مقام حکومت
۱۸۴	۴. دلیل عقلی
۱۸۵	اختیارات ولایت فقیه
۱۸۷	سازگاری ولایت فقیه با دموکراسی
۱۸۹	ارزیابی نهایی
۱۹۱	منابع
۱۹۳	آزادی از دیدگاه استاد مطهری (منصور میراحمدی)
۱۹۳	مقدمه
۱۹۶	مبانی آزادی از دیدگاه مطهری
۱۹۸	۱. جبر و اختیار
۲۰۰	۲. فطرت

۵۹	۱. حق
۶۰	تعریف حق
۶۱	حقوق طبیعی و حقوق موضوعه
۶۵	آیا آزادی و مساوات حق است؟
۶۷	مبنای حق
۶۹	رابطه غایی و رابطه فاعلی
۷۲	مبنای حقوق فطری
۷۷	چگونه انسان در برابر خداوند ذی حق است؟
۸۰	توأم بودن حق با مسئولیت
۸۳	لزوم اعتراف حکومت‌ها و اولیای دین به حقوق مردم
۸۷	تقدم حق اجتماع
۹۲	عدم تجاوز به حقوق کافی نیست
۹۳	انسان‌گرایی یا خداگرایی؟
۱۰۰	۲. عدالت
۱۰۲	نقش عدالت اجتماعی در رشد معنوی
۱۰۵	عدالت هدف انبیا
۱۰۶	قرآن منشأ عدل در اسلام
۱۰۸	علت انحراف مسلمانان از عدل
۱۰۹	اقسام عدل
۱۱۰	مفهوم عدل
۱۱۴	مبنای عدالت
۱۱۶	نفس الامری بودن عدالت
۱۱۷	نزاع اشاعره و عدلیه
۱۲۰	اصل عدل، زمینه‌ساز برخورداری از فلسفه اجتماعی
۱۲۴	رابطه حق و عدل
۱۲۶	محوریت بعد اجتماعی عدالت
۱۳۲	ایمان و معنویت ضامن عدالت
۱۳۵	۳. برابری
۱۳۷	مساوات و عدالت
۱۳۸	تفاوت طبیعی و تبعیض ناروا
۱۴۰	مساوات مطلق، نه ممکن است و نه مطلوب
۱۴۲	توجیه برابری اولیه
۱۴۳	توزیع مجدد

۲۰۲	۳. عقل، اراده و تکامل انسان
۲۰۶	اقسام آزادی
۲۰۸	۱. انسان و طبیعت
۲۰۹	۲. انسان و سنتها و قوانین موجود
۲۱۰	۳. انسان و انسانهای دیگر
۲۱۴	۴. انسان و هواهای نفسانی خود
۲۱۶	۵. انسان و دین و اعتقادات
۲۲۱	جمع بندی
۲۲۳	منابع

۲۲۵	انقلاب و تحولات اجتماعی از دیدگاه استاد مطهری (نصف لک زایی)
۲۲۵	مقدمه
۲۲۶	بررسی مفاهیم
۲۳۰	نظریه های انقلاب و تحولات اجتماعی
۲۳۷	نظریه انقلاب و تحولات اجتماعی از دیدگاه استاد مطهری
۲۴۳	تحولات سیاسی - اجتماعی ایران از دیدگاه استاد مطهری
۲۴۶	خاتمه

۲۴۹	فهرست ها
۲۵۱	فهرست آیات
۲۵۵	فهرست روایات
۲۵۷	فهرست اشعار
۲۵۸	فهرست اسامی معصومین <small>علیهم السلام</small>
۲۵۹	فهرست اعلام
۲۶۲	فهرست علوم و توابع آن
۲۶۳	فهرست گروه ها، جماعات و طوایف
۲۶۵	فهرست کتاب ها، مقالات و مجلات
۲۶۸	فهرست اصطلاحات، مفاهیم و موضوعات
۲۷۷	منابع
۲۷۷	الف) کتاب ها
۲۷۹	ب) مقاله ها

سخنی با خواننده

گسترش فزاینده علوم و معارف بشری به موازات رشد حیرت انگیز تکنولوژی ارتباطات به عصر ما ماهیتی علمی و اطلاعاتی بخشیده است و به حق این دوران را «عصر انفجار اطلاعات» نامیده اند، تردیدی نیست که این اطلاعات میراث مشترک همه تمدن ها و فرهنگ هاست و ملت های مختلف در کنار استفاده و بهره گیری از آن به رشد و انباشت آن یاری می رسانند. فرآیند تکاملی این میراث به گونه ای است که بشر را به سوی همسانی و همگونی فرا می خواند و هویت های مستقل سنتی و ملی را با چالش مواجه ساخته است. همراهی مطلق با آن، گسست از هویت است و نادیده انگاشتن آن گسست از زمان.

پس به ناچار پویایی و پایایی هر تمدن و فرهنگی به قدر توجه به هویت خود و سهم آن در حضور فعال در عرصه زمان خویش است. آنچه در این میان مهم می نماید این که در بین همه ملت ها و فرهنگ ها و تمدن ها شخصیت هایی بوده اند که با داشتن این دو ویژگی (توجه به هویت و زمان) خدمات شایانی در حوزه تفکر داشته اند. آن ها در کنار پرداختن به ادبیات سنتی و ملی خویش از مقتضیات زمان غافل نمانده اند.

استاد شهید آیه الله مرتضی مطهری از جمله اندیشورانی است که در این

راستا ارزیابی می‌شود. او توانست با درک درست و قرائتی صحیح از اسلام و سنت اسلامی، آن را در مواجهه با افکار الحادی و عقاید انحرافی مطرح نماید و به خوبی از هویت دینی پاسداری کند.

به نظر ما بازخوانی افکار او به ویژه در حوزه اندیشه سیاسی اسلامی بعد از ۲۲ سال از شهادت آن عزیز، از اهمیت زیادی برخوردار است. آنچه پیش روی شماست تحلیلی از اندیشه سیاسی استاد شهید در حوزه چپ‌ستی و هستی‌جامعه و تحولات اجتماعی، حکومت اسلامی و ولایت فقیهان در عصر غیبت و تبیین مفهوم و ماهیت دو مقوله عدالت و آزادی است که در پژوهشکده اندیشه سیاسی اسلام به قلم محققان ارجمند آقایان: حمید پارسانیا، حسین توسلی، محمدحسن قدردان قراملکی، منصور میراحمدی و نجف لک‌زایی فراهم آمده است. اگرچه زحمات همه عزیزان قابل ستایش است، اما تلاش مجدانه جناب آقای لک‌زایی در آماده‌سازی مجموعه مزید امتنان است.

در خاتمه امیدواریم این خدمت فرهنگی که تلاش مختصر در عرصه معرفی و تبیین بخشی از اندیشه سیاسی استاد شهید است با پیشنهادها و انتقادهای اصلاحی خوانندگان تلطیف و تکمیل گردد.

مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی

پژوهشکده اندیشه سیاسی اسلام

مقدمه

اندیشه پیشینیان برای امروز چه کاربردی دارد؟ به دیگر سخن، وقتی که به تجزیه و تحلیل یا توصیف افکار و آرای گذشتگان می‌پردازیم، به دنبال چه چیزی هستیم؟ آیا به دنبال پاسخ‌گویی به معضلات، مشکلات و بحران‌های زمانه خود هستیم یا این‌که می‌خواهیم بخشی از تاریخ فکر را روشن کنیم؟ بدیهی است در هر بررسی از افکار دانشمندان، قطعاً بخشی از تاریخ فکر روشن می‌شود؛ اما جستن راه حل مشکلات امروز در اندیشه گذشتگان منوط به این است که بپذیریم امکان یافتن راه‌حلی برای بحران‌های امروز و نسل حاضر در افکار پیشینیان و میراث گذشته وجود دارد. البته این ادعا محل بحث است. برخی از اندیشوران معتقدند مسائل زندگی و به ویژه زندگی سیاسی، که در این نوشتار مورد بحث ماست، پیوسته در حال تغییرند و بنابراین آنچه محل تأمل پیشینیان بوده، امروز دیگر موضوعیت ندارد؛ از این رو پرسش‌های امروز پاسخ‌های امروزی می‌طلبد و پاسخ‌های دیروز برای امروز کارآمد نیست. برخی از مدعیان این نظریه تا بدان جا پیش می‌روند که جهان‌های متصلب فکری را ترسیم می‌کنند که هیچ‌گونه تعاملی با یکدیگر نمی‌توانند داشته باشند؛ به طور مثال، از جهان قدیم با عنوان جهان سنتی یاد می‌کنند و از جهان جدید با عنوان جهان مدرن، که هرکدام از این دو جهان

امکان طرح پرسش‌ها و پاسخ‌های خاصی را پدید می‌آورند، چنان‌که هرکدام مسائل ناندیشیده خاص خود را دارند.

گروه دیگری از متفکران برای زندگی، به‌خصوص زندگی سیاسی، پرسش‌های ابدی و جاودانه قائل هستند. اینان مسائل متغیر را به مسائل ابدی برمی‌گردانند، بنابراین از منظر و نظر این متفکران، اندیشه پیشینیان می‌تواند در پاسخ به بحران‌ها و مشکلات امروز بشر کارساز باشد. «گلن تیندر» از کسانی است که سعی کرده است پرسش‌های جاودانه انسان در عرصه زندگی سیاسی را یک جاگرد آورد^۱، در حالی که توماس اسپریگنز به مسائل متغیر زندگی سیاسی نظر داشته است.^۲

به نظر می‌رسد می‌توانیم دیدگاه سومی را نیز مطرح کنیم. زندگی سیاسی انسان دارای دو دسته مسائل، مشکلات، نیازها و حتی بحران‌هاست: یک نوع از مسائل، در ردیف دغدغه‌های همیشگی، ابدی و جاودانه همه انسان‌ها قرار می‌گیرد و نوع دیگر در ردیف مسائل حادث، نوپیدا، متغیر و موسمی.

برخی از دغدغه‌های انسان‌ها، در تمامی ادوار، اعم از جهان قدیم و جدید، به قرار زیر است:

۱. پرسش از چیستی و هستی انسان؛
۲. پرسش از چیستی و هستی جهان آفرینش؛
۳. پرسش از خالق هستی؛
۴. پرسش از عدالت؛
۵. پرسش از نظام سیاسی مطلوب؛
۶. پرسش از سعادت؛
۷. پرسش از چیستی قدرت؛

۱. گلن تیندر، تفکر سیاسی، ترجمه محمود صدری.

۲. توماس اسپریگنز، فهم نظریه‌های سیاسی، ترجمه فرهنگ رجایی.

۸. پرسش از آزادی؛

۹. پرسش از شناخت؛

۱۰. پرسش از عامل یا عوامل محرک تاریخ؛

۱۱. پرسش از شیوه مملکت‌داری؛

۱۲. پرسش از رهبران شایسته؛

۱۳. پرسش از جنگ، صلح، امنیت و دفاع؛

۱۴. پرسش از فقر و نابرابری؛

۱۵. پرسش از انقلاب و تغییر و تحولات اجتماعی؛

۱۶. پرسش از دین، اخلاق و معنویت؛

۱۷. پرسش از خیر و شر.

در حالی که دغدغه‌های مذکور در همه زمان‌ها، با شدت و ضعف، وجود داشته، اما پاسخ انسان به این پرسش‌ها پیوسته در حال تغییر بوده است. مکاتب مختلف از روش‌ها، منابع و ابزار مختلفی برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های ابدی استفاده کرده‌اند؛ چنان‌که هر دوره‌ای پرسش‌های خاص خود را نیز داشته است که گاهی پرسش‌های مقطعی نیز به یکی از این پرسش‌های ابدی و پایدار برمی‌گردد. پرسش از بردگی، پرسش پایدار و جاودانه بشر نیست، اما روشن است که مبنای آن در پرسش‌های پایدار است؛ پرسش از راه‌های مقابله با مواد مخدر یا تخریب محیط‌زیست، پرسش از مسائل گذراست، اما در اصل به پرسش‌های پایدار برمی‌گردد.

در اندیشه استاد مرتضی مطهری با هر دو نوع دغدغه روبه‌رو هستیم. ایشان هم دغدغه پرداختن به پرسش‌های پایدار و جهان‌شمول را داشته‌اند و هم به دنبال پاسخ دادن به مسائل گذرا و پرسش‌های موقت و نوپیدا در صحنه سیاسی اجتماعی عصر خود بوده‌اند؛ به‌طور مثال پرداختن ایشان به مسئله حجاب یا فیلم محلل، از مسائل گذراست، در حالی که بحث از مسائلی چون

عدل الهی، آزادی، شناخت، حکومت مطلوب و انسان، نشان‌دهنده توجه ایشان به پرسش‌های پایدار است.

مطهری، مجموعه‌ای از دنیاهای متفاوت است: دنیای فلسفه، اخلاق، فقه، سیاست، اقتصاد، عرفان، تفسیر، اصول، تاریخ و ... اما در همه این عرصه‌ها پاسخ‌گویی به مشکلات و پرسش‌ها را مدنظر داشته است، چه پرسش‌های گذرا و چه پرسش‌های پایدار و دایمی.

این بنده از حدود بیست سال پیش [۱۳۳۲ ش] که قلم به دست گرفته، مقاله یا کتاب نوشته‌ام، تنها چیزی که در همه نوشته‌هایم آن را هدف قرار داده‌ام حل مشکلات و پاسخ‌گویی به سؤالاتی است که در زمینه مسائل اسلامی در عصر ما مطرح است.

نوشته‌های این بنده، برخی فلسفی، برخی اجتماعی، برخی اخلاقی، برخی فقهی و برخی تاریخی است. با این‌که موضوعات این نوشته‌ها کاملاً با یکدیگر مغایر است، هدف کلی از همه این‌ها یک چیز بوده و بس.^۱

این مجموعه مقالات با این انگیزه که پاسخ برخی از مسائل فرازمانی و پرسش‌های پایدار عرصه تفکر سیاسی و زندگی اجتماعی انسان را از منظر شهید مطهری - که از صاحبان فکر و اندیشه و مسلط به آموزه‌های دینی و اسلامی بوده است - به دست دهد، با همدلی و همراهی جمعی از اصحاب فکر و اهل قلم طراحی و ارائه شده است. این مجموعه، گرچه شامل چندین مقاله است، اما سعی شده است تا هر مقاله بخشی از یک طرح و چارچوب کلی را پوشش دهد. فرد، جامعه، روابط فرد و جامعه، نظام سیاسی، روابط جامعه و نظام سیاسی و مبدأ و غایت نظام اجتماعی و سیاسی از مهم‌ترین ارکان این طرح است.

در مقاله اول، مؤلف، ضمن نقد و بررسی پاسخ‌های مختلفی که به پرسش «چیستی و هستی جامعه» و «رابطه انسان و جامعه» داده شده، به ارائه پاسخ استاد مطهری به پرسش مزبور پرداخته است. به نظر آقای پارسانیا هرچند دلیل عقلی یا تجربی که علامه طباطبائی و شهید مطهری بر وجود جامعه اقامه کرده‌اند در معرض اشکال است، اما آنچه را که درباره امکان تحقق جامعه بیان کرده‌اند مصون از اشکال است، و دلایل نقلی که با استفاده از ظواهر آیات اقامه شده است، فی الجمله اصل وجود جامعه را اثبات می‌کند. هرچند که این اثبات از حد ظهور آیات فراتر نمی‌رود و در حکم نص نیست، اما تا زمانی که برهان مستقلى در نفي وجود جامعه اقامه نشود دلیلی بر اعراض از ظواهر قرآنی نیست.

از آن‌جا که نظریات یا برنامه‌های اصلاحی که در مورد نهادها و اقتدار سیاسی، مثل حکومت و قانون مطرح می‌شود، قبل از هر چیز مبتنی بر پاسخ خاصی است که به سؤال از حق، برابری و عدالت داده می‌شود و در واقع مفاهیم مذکور بنیاد نظم اجتماعی و سیاسی هستند، از این رو در مقاله دوم - که در واقع سه مقاله است - مفاهیم و پرسش‌های مربوط به «حق، عدالت و برابری» توسط آقای توسلی مورد کاوش و بررسی قرار گرفته است.

پرسش از نظم سیاسی مطلوب، که «حکومت اسلامی» است، موضوع و محور مقاله بعدی است. آقای قراملکی پس از فحوص و بحث بسیار به نتایج زیر دست یافته است:

۱. مطهری برخلاف سکولارها، مدافع نظریه دو ساحتی بودن دین اسلام است؛ به این معنا که معتقد است علاوه بر مسائل اخروی، مسائل دنیوی نیز مورد توجه اسلام بوده است؛

۲. مطهری برای حکومت اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه دو رکن قائل

۱. عدل الهی، ص ۸.

است: رکن الهی و رکن مردمی. نظریه خاص مطهری در باب حقوق فطری و طبیعی و حق انتخاب، مبنای رکن مردمی حکومت است؛

۳. مطهری در اثبات ولایت فقیه از ادله عقلی و نقلی بهره برده است؛

۴. مطهری میان نظام سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه و دموکراسی

ناسازگاری نمی بیند؛

دیدگاه مطهری درباره «آزادی» موضوع مقاله بعدی است. آقای میراحمدی، با استفاده از چارچوب نظری مک کالوم، به بررسی اقسام و انواع آزادی از دیدگاه استاد پرداخته است. در دیدگاه مذکور، که مبتنی بر تحلیل مفهوم آزادی است، در هر نوع تعریف از آزادی سه عنصر قابل ردیابی است: ۱. فاعل یا عامل (Agent)؛ ۲. مانع یا رادع (Constraint)؛ ۳. هدف یا غایت (Aim).

در این مقاله، «فرد» به عنوان «عامل» یا فاعل آزادی، «طبیعت و سلطه آن بر انسان»، «سنت‌ها و قوانین موجود در جامعه»، «انسان‌های دیگر و سلطه آنان بر انسان»، «هواهای نفسانی فرد و دین و اعتقادات فردی» به عنوان موانع آزادی و «تکلیف»، «تکامل»، «تعالی» و «سعادت» به عنوان اهداف آزادی از دیدگاه شهید مطهری مورد بررسی قرار گرفته است.

آخرین مقاله، که نگارنده عهده‌دار نگارش آن بوده است، به موضوع «انقلاب و تحولات اجتماعی» پرداخته است. به نظر می‌رسد مطالعه و بررسی پدیده تغییر و تحول و جهات تکاملی و ارتجاعی آن و نیز سرعت آن از نظر شدت و ضعف و میزان تداوم آن و همین‌طور علل و عوامل آن، برای هر ملت و جامعه‌ای که می‌خواهد زنده، بالنده، با نشاط و رو به پیشرفت باشد، ضروری است. هم باید مبدأ حرکت را بشناسیم و هم مقصد و پایان راه را، هم متحرک را باید شناخت و هم محرک و محرک‌ها را، هم مسیر را باید شناسایی

کنیم و هم زمانی را که برای طی مسافت میان مبدأ و مقصد باید سپری کرد. مطهری متفکری بود که انسان را شناخت، انسانی که متحرک این مسیر است و محرک را نیز که در درون خود او قرار دارد، به درستی شناسایی و معرفی کرد و با توجه به تنوع محرک‌ها و قدرت محرک‌ها، جهت‌گیری آن‌ها را نیز تشخیص داد و در نتیجه توانست دو مسیر تعالی و انحطاط و تکامل و ارتجاع را شناسایی کند و به دیگران نیز بشناساند.

در پایان، لازم می‌دانم از زحمات همه کسانی که در فراهم آمدن این اثر نقش داشته‌اند قدردانی کنم، به ویژه از فرزندان گرامی آقایان: حمید پارسانیا، حسین توسلی، منصور میراحمدی، محمدحسن قدردان قراملکی، محسن مهاجرنیا، ابراهیم طالبی دارابی، رضا عیسی نیا و شریف لک‌زایی سپاس‌گزار و متشکرم.

والحمد لله رب العالمین

قم - نجف لک‌زایی

پاییز ۱۳۸۰